

رابطه صفات اسکیزوتایپی با ابعاد شخصیت و هوش

پریناز پورجعفری^{۱*}، حسین قراباغی^۲^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه تبریز poorjafari87@gmail.com^۲ دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تبریز

چکیده

بررسی شخصیت اسکیزوتایپال در جمعیت عمومی می‌تواند فرصت مهمی جهت مطالعه نشانگرهای زیست‌شناختی و شناختی آسیب‌پذیری نسبت به اسکیزوفرنیا بدون اثرات مختل‌کننده بستری شدن طولانی مدت در بیمارستان، داروها و نشانگان روان‌پریشی شدید باشد. اگر اسکیزوتایپی در همه افراد وجود دارد و تجلی ساختار شخصیتی نوعی می‌باشد و به دامنه‌ای از تفاوت‌های شخصیتی تعلق دارد، بنابراین می‌توان آن را بواسطه تئوری‌های شخصیتی معمول توصیف نمود. یکی از تئوری‌های شخصیتی که بطور گسترده مورد پذیرش واقع شده و جامعیت آن در اکثر مطالعات به اثبات رسیده مدل پنج‌عاملی می‌باشد. بنابراین در این مقاله به بررسی رابطه اسکیزوتایپی با ابعاد پنج‌گانه شخصیت و هوش پرداخته شده است. بدین منظور تعداد ۲۰۰ نفر از زندانیان زندان مرکزی ارومیه با روش تصادفی بعنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند و پرسشنامه‌های NEO FFIISTA و آزمون هوشی ماتریس‌های پیش‌رونده ریون بزرگسالان اجرا گردید. نتایج نشان داد که اسکیزوتایپی با نوروتیسم همبستگی مثبت و با برونگرای، باوجدان بودن و دلپذیر بودن، همبستگی منفی دارد. در این پژوهش رابطه معناداری بین اسکیزوتایپی و بعد شخصیتی انعطاف‌پذیری و IQ بدست نیامد. اما بین IQ و خرده‌مقیاس تفکر جادویی اسکیزوتایپی همبستگی منفی وجود داشت. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که ۰/۳۵ واریانس اسکیزوتایپی توسط ابعاد شخصیتی CO₂N تبیین شده و توسط این ابعاد قابل پیش‌بینی است. بنابراین بر اساس یافته‌های تحقیق و همسو با تحقیقات قبلی می‌توان اسکیزوتایپی را براساس مدل ابعادی مد نظر قرار داده و با استفاده از الگوی پنج‌عاملی شخصیت نیم‌رخ پرخطر اسکیزوتایپی را تا حدی پیش‌بینی نمود.

کلید واژه‌ها: اسکیزوتایپی؛ ابعاد شخصیتی؛ هوش‌بهر

مقدمه

اسکیزوتایپی بعنوان شکل خفیف و غیر بالینی و نیز شخصیت پیش‌نشانه‌ای اسکیزوفرنیا در نظر گرفته شده و معمولاً نوعی آمادگی برای اسکیزوفرنیا بحساب می‌آید. برخی محققان اسکیزوتایپی را بصورت دو عامل اصلی اسکیزوتایپی مثبت با خرده‌مقیاس‌های تجارب غیر معمول، افکار جادویی، افکار ارجاع، گفتار و رفتار عجیب غریب و اسکیزوتایپی منفی با خرده‌مقیاس‌های عاطفه منفی، نداشتن دوست صمیمی، اضطراب اجتماعی و افکار پارانوئید در نظر گرفته‌اند (مایر و تال، ۲۰۰۷). بررسی شخصیت اسکیزوتایپال در جمعیت عمومی می‌تواند فرصت مهمی جهت مطالعه نشانگرهای زیست‌شناختی و شناختی آسیب‌پذیری نسبت به اسکیزوفرنیا بدون اثرات مختل‌کننده بستری شدن طولانی مدت در بیمارستان، داروها و نشانگان روان‌پریشی شدید باشد (رین و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از آسای و همکاران، ۲۰۱۱). کلاریج و سیه‌لاروا (۲۰۰۵) نشان دادند که افراد دارای صفات اسکیزوتایپال که بر اساس پرسشنامه‌ها یا مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته تشخیص داده شده‌اند، احتمالاً مستعد اسکیزوفرنی هستند. گرچه افراد دارای این صفات ممکن است تجارب شبه اسکیزوفرنیک را تجربه کنند، اما اکثریت آنها زندگی نرمالی دارند. صفات اسکیزوفرنی عموماً حالت تداومی دارند، هرچند این مناقشه مطرح است که آیا این تداوم شبه ابعادی است و فقط در مورد افراد اسکیزوفرنیک و اسکیزوتایپال که ژنهای اسکیزوفرنی دارند، صادق است یا کاملاً ابعادی است و در مورد همه افراد صادق است. لذا بر اساس دیدگاه شبه ابعادی فقط افرادی که نمرات بالاتری در ارزیابی‌های اسکیزوتایپی می‌گیرند، صفات اسکیزوتایپی را نشان می‌دهند و بر اساس دیدگاه کاملاً ابعادی همه افراد دارای ژنهای اسکیزوفرنی بوده و بنابراین ممکن است تا حدی صفات شخصیتی اسکیزوتایپال را نشان دهند و آنهايي که اسکیزوتایپال قوی دارند احتمالاً اسکیزوفرن می‌شوند.

همبستگی‌های معنادار بین بدکارکردی‌های شناختی و نمرات اسکیزوتایپال نظیر رابطه منفی بین عملکرد دیداری - حرکتی و نمرات اسکیزوتایپی از مدل کاملاً ابعادی حمایت کرده‌اند (آسای و دیگران، ۲۰۰۸). با این حال محققان دیگری نظیر اسمیمیس و دیگران (۲۰۰۷) که نشان دادند افراد اسکیزوتایپال، عملکرد ضعیف تری نسبت به کل نمونه مورد بررسی در یک تکلیف پیگردی چشمی‌داشته و همبستگی معناداری بین نمرات اسکیزوتایپی و عملکرد وجود ندارد، از مدل شبه ابعادی حمایت کرده‌اند.

اگر اسکیزوتایپی در همه افراد وجود دارد و تجلی ساختار شخصیتی نوعی می‌باشد و به دامنه ای از تفاوت‌های شخصیتی تعلق دارد، بنابراین می‌توان آن را بواسطه تئوری‌های شخصیتی معمول توصیف نمود. یکی از تئوری‌های شخصیتی که بطور گسترده مورد پذیرش واقع شده و جامعیت آن در اکثر مطالعات به اثبات رسیده مدل پنج عاملی شخصیت است که توسط مک کری و کاستا (۱۹۹۲) مطرح شده است و تفاوت‌های فردی را بر اساس پنج بعد شخصیتی نوروتیسم (N)، برونگرایی (E)، انعطاف پذیری (O)، باوجدان بودن (C) و دلبذیر بودن (A) طبقه بندی می‌کند. در بین اختلالات شخصیت، اختلال شخصیت اسکیزوتایپال احتمالاً بعلاوه آن با شناخت انحرافی کمتر با مدل پنج عاملی سنجیده شده است و مطالعات انجام گرفته در این زمینه به یافته‌های متناقضی منجر شده است. در مطالعه آسای و دیگران (۲۰۱۱) رابطه مثبتی بین نوروتیسم، انعطاف پذیری نسبت به تجربه و اسکیزوتایپی و رابطه منفی بین برونگرایی، باوجدان بودن و اسکیزوتایپی بدست آمد. در این مطالعه رابطه بین دلبذیر بودن و اسکیزوتایپی معنادار نبود. ویدال و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که اسکیزوتایپی همبستگی مثبتی با نوروتیسم و همبستگی منفی با برونگرایی، باوجدان بودن و دلبذیر بودن دارد.

علی رغم نگاه غالب آسیب شناختی به صفات اسکیزوتایپی برخی محققان (کراو، ۱۹۹۵) براساس مباحثه مناقشه انگیز ارتباط جنون - خلاقیت، مطرح کرده اند که آل‌های خطرزای طیف اسکیزوفرنیا ممکن است در بستگان غیر سایکوتیک این بیماران که دارای اسکیزوتایپی خفیف هستند پایدار مانده و منجر به توانایی‌های در خلاقیت شوند. مطالعات زیادی همبستگی‌های بین اسکیزوتایپی و خلاقیت را در افراد دارای مشاغل خلاقانه، بالغین جوان نرمال (تساکانیکوس و کلاریج، ۲۰۰۵) و بستگان غیر سایکوتیک اسکیزوفرن‌ها (کینی و دیگران، ۲۰۰۰) بررسی کرده اند (به نقل از مایر و تال، ۲۰۰۷). یافته‌های برخی تحقیقات نشان می‌دهد که اسکیزوتایپی مثبت با خلاقیت رابطه دارد (بارج و دیگران، ۲۰۰۶، به نقل از مایر و تال، ۲۰۰۷). در مطالعه‌ای که مایر و تال (۲۰۰۷) با استفاده از آزمون ماتریس‌های پیشرونده ریون (فرم ۱۸ ایمنی) برای بررسی رابطه IQ و اسکیزوتایپی انجام دادند، رابطه معناداری بین این دو متغیر یافت نشد. اما بین اسکیزوتایپی مثبت با خلاقیت کلامی و خلاقیت ترسیمی همبستگی متوسطی وجود داشت. بنابراین با در نظر گرفتن مباحث مطرح شده، در این مقاله به بررسی رابطه صفات اسکیزوتایپی با ابعاد پنجگانه مدل پنج عاملی شخصیت پرداخته می‌شود و رابطه مباحثه انگیز اسکیزوتایپی با هوش نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زندانیان مرد تحت پوشش طرح مشاوره و روان درمانی زندان مرکزی ارومیه در شش ماهه اول سال ۱۳۹۰ می‌باشد. از بین این زندانیان تعداد ۲۰۰ نفر بصورت داوطلبانه براساس روش نمونه گیری تصادفی و بدون در نظر گرفتن جرایم بعنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۳/۱۷ و SD ۱۱/۴۰، ۵۸٪ درصد متاهل و ۴۲ درصد متاهل، ۳۰/۵٪ ابتدایی، ۲۶٪ راهنمایی، ۱۰٪ دبیرستان، ۲۳٪ دیپلم، ۲/۵٪ فوق دیپلم، ۱/۵٪ لیسانس و ۶٪ دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی و همبستگی می‌باشد.

ابزار

پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI: پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI یک پرسشنامه خودسنجی ۶۰ سوالی با طیف لیکرت پنج درجه ای است. این پرسشنامه فرم کوتاه NEO PI-R است که توسط کاستا و مک کری (۱۹۹۲) ساخته شده و پنج عامل اصلی شخصیت (نوروتیسم (N)، برونگرایی (E)، انعطاف پذیری (O)، باوجدان بودن (C) و دلبذیر بودن (A)) را می‌سنجد. شارون و همکاران (۲۰۰۲) ضریب اعتبار ۰/۸۶ برای نوروتیسم و ۰/۷۷ برای برونگرایی، ۰/۷۳ برای انعطاف و پذیرش، ۰/۶۸ برای دلبذیر بودن و ۰/۸۱ برای

باوجدان بودن را گزارش کرده‌اند (به نقل از قرباغی، ۱۳۸۲). در ایران نیز ضریب اعتبار بدست آمده برای عوامل C, A, O, E, N به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ بوده است (گروسی، ۱۳۸۰).

فرم A پرسشنامه صفات اسکیزوتایپی (STA): این پرسشنامه توسط سیهلاروا و کلاریج (۲۰۰۵) ساخته شده و دارای ۳۷ ماده می‌باشد که به صورت بلی/خیر پاسخ داده می‌شود این پرسشنامه متشکل از سه عامل، تجارب ادراکی غیرمعمول، سوءظن پارانوئید/اضطراب اجتماعی و تفکر سحرآمیز می‌باشد. در ایران، توسط محمدرزاده، گودرزی، تقوی و ملازاده (۱۳۸۵) هنجاریابی شده است. ضرایب آلفای بدست آمده توسط سیهلاروا و کلاریج (۲۰۰۵) برای خرده مقیاس‌های تجارب ادراکی غیرمعمول، سوءظن پارانوئید و اضطراب اجتماعی و تفکر جادویی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۶۹ و ۰/۶۳ می‌باشد.

آزمون هوشی ماتریس‌های پیشرونده ریون: این آزمون توسط پنروز و ریون در سال ۱۹۳۷ تهیه شده و برای اندازه‌گیری هوش افراد در همه سطوح توانایی بکار می‌رود. به شکل گسترده برای اهداف بالینی و پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد این آزمون دارای ۶۰ ایتیم تصویری است که به پنج گروه ۱۲ تایی (A تا E) با درجه دشواری فزاینده تقسیم شده است بارکه (۱۹۷۲) ضرایب ثبات درونی آزمون را با ۵۰۰ آزمودنی بزرگسال در سنین مختلف آمریکا بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۷ گزارش کرده است. این آزمون توسط برهنی (۱۳۵۶) بر روی ۳۰۱۰ نفر در سطح شهر تهران اجرا گردید و روایی ۰/۸۹ تا ۰/۹۵ و اعتبار ۰/۲۴ تا ۰/۶۱ برای آن گزارش گردید (به نقل از شریفی، ۱۳۸۹).

شیوه اجرا

پرسشنامه‌ها بصورت انفرادی پس از توجیه شرکت کنندگان و جلب رضایت آنها اجرا شدند، برای بررسی IQ از نرم افزار ماتریس‌های پیشرونده ریون بزرگسالان شرکت روان تجهیز سینا استفاده شد. با توجه به اینکه تحصیلات برخی از شرکت کنندگان پایین بود، ایتیم‌هایی که برای آنها مبهم بود توسط محققین با زبانی ساده تر توضیح داده می‌شد.

نتایج

نتایج اجرای آزمون هوشی ریون نشان داد که میانگین بهره هوشی نمونه مورد مطالعه ۱۰۷ با انحراف استاندارد ۹ می‌باشد. همچنین نتایج آزمون کولموگراف-اسمیرنوف نشان داد که توزیع متغیرهای اسکیزوتایپی، هوشبهر و ابعاد شخصیتی نرمال می‌باشد. برای بررسی رابطه اسکیزوتایپی و خرده مقیاس‌های آن با ابعاد شخصیتی و هوشبهر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که اسکیزوتایپی با بعد N همبستگی مثبت ($r = 0/558, p = 0/001$) و با ابعاد شخصیتی E ($r = -0/21, p = 0/029$) O, ($r = -0/154, p = 0/005$) C و ($r = -0/199, p = 0/001$) A همبستگی منفی دارد. همبستگی بدست آمده بین اسکیزوتایپی و هوشبهر ($r = -0/04, p = 0/951$) از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. هرچند بین خرده مقیاس تفکر جادویی و هوشبهر ($r = -0/16, p = 0/023$) همبستگی منفی معناداری وجود دارد.

همچنین برای بررسی نقش ابعاد شخصیتی و هوشبهر در تبیین و پیش بینی اسکیزوتایپی از رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج نشان داد سه بعد شخصیتی N، O و C ۳۵ درصد از واریانس اسکیزوتایپی را تبیین می‌کنند. ابعاد شخصیتی E، C و IQ بدلیل اثرگذاری کمتر از معادله رگرسیون خارج شدند. همچنین در بین ابعاد شخصیتی N مهم ترین پیش بینی کننده اسکیزوتایپی بوده و به تنهایی ۳۱ درصد از واریانس اسکیزوتایپی را تبیین می‌کند.

بحث

یافته‌ها بیانگر آن است که اسکیزوتایپی رابطه مثبتی با بعد نوروتیسم شخصیت دارد. این یافته با یافته‌های آسای و دیگران (۲۰۱۱) گوژرا و همکاران (۲۰۰۵)، روس و دیگران (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. همچنان که نتایج نشان داد بعد نوروتیسم مهم ترین تبیین کننده اسکیزوتایپی در بین ابعاد پنجگانه شخصیت می‌باشد در تبیین این یافته می‌توان گفت که اضطراب، تنش، احساس نا امنی، حالت تدافعی و نگرانی که جزء خصوصیات نوروتیسم می‌باشد، منعکس کننده آسیب پذیری نسبت به آشفتگی روانی بوده و آشفتگی روانی از علایم برجسته

اسکیزوتایپی می‌باشد بدین خاطر رابطه مثبت آن با اسکیزوتایپی قابل تبیین است. بعلاوه همچنانکه موری و همکاران (۲۰۰۲) گزارش کرده‌اند نوروتیسم بالا وجه مشترک اکثر اختلالات شخصیتی می‌باشد. نتایج نشان داد که رابطه منفی بین اسکیزوتایپی و برون‌گرایی وجود دارد. این یافته با نتایج گزارش شده توسط آسای و دیگران (۲۰۱۱)، روس و دیگران (۲۰۰۲) نمره پایین در برون‌گرایی بیانگر تمایل فرد به تنهایی، در روابط بین فردی رسمی و محافظه کار بودن، احساس نیاز به هیجان خواهی پایین یا نشان دهنده شخصیت درون‌نگرا یا کناره گیر است که ممکن است به بی‌لذتی درون‌گرایانه در اسکیزوتایپی امتداد یابد. در این مطالعه رابطه معناداری بین اسکیزوتایپی و بعد انعطاف‌پذیری شخصیت بدست نیامد، این یافته متناقض با نتایج گزارش شده توسط آسای و دیگران (۲۰۱۱) می‌باشد در تبیین این یافته می‌توان گفت، بطور کلی، مطالعاتی که رابطه مثبتی بین اسکیزوتایپی و انعطاف‌پذیری گزارش کرده‌اند، بیشتر نمونه‌های دانشجویی را بکار برده‌اند و نمره بالا در بعد انعطاف‌پذیری را نشان دهنده شخصیت خلاق و بعنوان حلقه ارتباطی بین اسکیزوتایپی و خلاقیت فرض کرده‌اند، در حالیکه مطالعاتی که رابطه مثبتی بین این دو متغیر نیافته‌اند از نمونه‌های روان‌پزشکی استفاده کرده‌اند (روس و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین شدت نشانه می‌تواند این رابطه را تحت تاثیر قرار دهد و این محققان مطرح می‌کنند که ناتوانی در کنترل شدت نشانگان منفی اسکیزوتایپی می‌تواند منجر به یافته‌های متناقض شود. همچنین این بعد بطور کلی نسبت به سایر ابعاد شخصیتی چهارگانه کمتر شناخته شده است و در مورد مفهوم آن اختلاف نظر وجود دارد، از سوی دیگر این بعد شخصیتی تحت تاثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی قرار دارد و ماهیت شرایط و خصوصیات افراد مورد بررسی در این تحقیق که شامل زندانیان بوده نیز می‌تواند در نتیجه بدست آمده دخیل باشد. همچنین یافته‌ها بیانگر رابطه منفی بین اسکیزوتایپی و بعد شخصیتی باوجدان بودن بود. این یافته با نتایج مطالعات آسای و دیگران (۲۰۱۱) گوئرا و همکاران (۲۰۰۵) همسو می‌باشد. نمره پایین در باوجدان بودن نشاندهنده شخصیت نامنظم و کنترل نشده می‌باشد که می‌تواند با ویژگی‌های آشفتگی شناختی و اضطراب اجتماعی اسکیزوتایپی همپوشی داشته باشد. در پژوهش حاضر رابطه منفی معناداری بین اسکیزوتایپی و بعد شخصیتی دلپذیر بودن بدست آمد. این یافته با یافته‌های ویدال و همکاران (۲۰۱۰)، گوئرا و همکاران (۲۰۰۵) همسو و با یافته‌های آسای و دیگران (۲۰۱۱) ناهمسو می‌باشد. رابطه منفی اسکیزوتایپی با دلپذیر بودن با نقایص بین فردی شخصیت اسکیزوتایپی هماهنگ است، نقایصی که با ویژگی‌هایی نظیر بدگمانی، فقدان دوست صمیمی و عاطفه نامحدود همراه است. همچنانکه نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد، رابطه معناداری بین اسکیزوتیپی و هوشبهر وجود ندارد. این یافته با برخی از مطالعاتی که با تکیه بر فرضیه جنون - خلاقیت رابطه مثبتی را بین اسکیزوتایپی و هوشبهر گزارش کرده‌اند مغایر می‌باشد. اما با نتایج گزارش شده توسط مایلر و تال (۲۰۰۷) که با استفاده از آزمون ریون فرم ۱۸ آیتمی رابطه این دو متغیر را بررسی کرده‌اند همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، همچنانکه برخی محققان (آیزتگ، ۱۹۹۵، جنسون، ۲۰۰۴) مطرح کرده‌اند، پس از کنترل صفات اثری دیگری که ارتباط آنها با خلاقیت اثبات شده است، اسکیزوتایپی خلاقیت یا هوش را پیش‌بینی نمی‌کند. و احتمالاً اسکیزوتایپی در تعامل با دیگر عوامل، از جمله بعد انعطاف‌پذیری شخصیت می‌تواند تبیین‌کننده خلاقیت یا هوشبهر باشد. بنابراین بر اساس این یافته‌ها و همسو با تحقیقات قبلی ایده پیوستگی در اختلالات و از جمله اسکیزوتایپی غالب می‌باشد و می‌توان اسکیزوتایپی را بعنوان تغییری در شخصیت توصیف نمود. بطوریکه صفات شخصیتی نرمالی که در همه افراد وجود دارند، احتمالاً در اسکیزوتایپی برجسته‌تر شوند. و مدل پنج‌عاملی شخصیت تا حد زیادی می‌تواند اسکیزوتایپی را تبیین نموده و با استفاده از آن می‌توان نیمرخ پرخطر اسکیزوتایپی را تا حدی پیش‌بینی نمود.

منابع

- پاشا شریفی، حسن. و قدرتی، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی خلاقیت دانش آموزان دختر تیز هوش مدارس استعدادهای درخشان، غیر انتفاعی و دولتی. فصلنامه تازه‌های روانشناسی صنعتی/سازمانی، ۱۳، ۳۱-۴۰.
- گروسی فرشی، میر تقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز: جامعه پژوه.
- Asai T., Eriko Sugimori, Naoko Bando, & Yoshihiko Tanno. (2011). The hierarchic structure in schizotypy and the five-factor model of personality. *Psychiatry Research*, 185, 78-83.
- Cyklarova, E., Claridge, G. (2005). Development of Version of Schizotypy Traits Questionare (STA) for Screening children. *schizophrenia Researc*, 80, 235-261.
- Miller, F., Tal, R. (2007). Schizotypy versus openness and intelligence as predictors of creativity. *Schizophrenia Research*, 93 , 317-324.
- Ross, S. R., Lutz, C. J., Bailey, S. E.) 2002). Positive and negative symptoms of schizotypy and the five-factor model: a domain and facet level analysis. *Journal of Personality Assessment* 79, 53-72.
- Smyrnis, N., Evdokimidis, I., Mantas, A., Kattoulas, E., Stefanis, N. C., Constantinidis, T.S., Avramopoulos, D., Stefanis, C.N.)2007). Smooth pursuit eye movements in 1/087 men: effects of schizotypy, anxiety, and depression. *Experimental Brain Research* 179, 397-408.
- Tsakanikos, E., Claridge, G.)2005). More words, less words: verbal fluency as a function of 'positive' and 'negative' schizotypy. *Pers. Individ. Differ.* 39, 4, 705-713.
- Vidal N, B., Lewandowski, K, E., Kwapil T. R. (2010). Psychopathology, social adjustment and personality correlates of schizotypy clusters in a large nonclinical sample. *Schizophrenia Research*, 122, 219-225.